

نگاهی به کارنامه مدیران غیرورزشی و پرحاشیه در یک دهه گذشته

## آدرس را اشتباهی آمده بودند!

در حالی هفته گذشته جعفر سمیعی مدیر حراست سابق شهرداری و فعلی وزارت ورزش به عنوان مدیر عامل باشگاه پرسپولیس انتخاب شد که ورزش ایران در دهه‌های اخیر چنین انتصاب‌هایی کم به خود ندیده است؛ حضور مدیرانی که از خارج از ورزش برای یک مسئولیت ورزشی حکم گرفته‌اند، سمیعی در شرایطی در حال حاضر به عنوان مدیر کل حراست وزارت ورزش فعالیت می‌کند که به عنوان یک مدیر غیرورزشی شناخته می‌شود. او زمانی به عنوان مشاور شهردار و رئیس کل حراست شهرداری تهران منصوب شده بود و سابقه فعالیت در شهرداری پایتخت را نیز دارد. سمیعی همچنین یکی از اعضای هیئت رئیسه کمیته پدافند غیرعامل نیز محسوب می‌شود. با این وجود، قضاوت درباره او زود است و باید به انتظار نشست و دید که این مدیر حراستی و امنیتی چه کارنامه‌ای از خودش بر جای خواهد گذاشت. البته نگاهی به انتصاب‌ها و انتخایب‌های غیرورزشی‌ها در سیستم مدیریتی ورزش و رانته‌هایی که داشته‌اند، خیلی از این مدیران با توجه به روابط خارج از ورزش و رانته‌هایی که داشته‌اند، وارد ورزش شده‌اند و نتوانسته‌اند کارنامه قابل قبولی از خودشان ثبت کنند. ورزش ایران مدیران اشتباهی کم نداشته است؛ مدیرانی که در سال‌های اخیر یا حکم‌هایی به گرفته‌اند از یک فضای متفاوت یا به ورزش گذاشته‌اند و پس از چند وقت بدون اینکه دستاورد مثبتی داشته باشند با انبوهی از مشکلاتی

### گزارش سعید احمدیان

یکی از عجیب‌ترین انتصاب‌های یک دهه گذشته، انتخاب محمد رویانپان به عنوان مدیر عامل باشگاه پرسپولیس بود؛ مدبری که تا قبل از ورود به فوتبال همواره به عنوان یک مدیر نظامی شناخته می‌شد و مردم او را با لباس نظامی دیده بودند. با این حال شهرت ۹۰ محمد رویانپان رئیس وقت ستاد سوخت کشور حکم مدیر عاملی پرسپولیس را گرفت بدون آنکه سابقه حتی یک روز فعالیت در عرصه مدیریت ورزشی را داشته باشد. رویانپان در حالی وارد ورزش شد که از سال ۱۳۶۱ وارد کمیته شهپرستان نور و به تدریج به فرماندهی کمیته و پس از آن با ادغام کمیته و شهرپانی به عنوان فرمانده نیروی انتظامی تور و سپس به عنوان فرمانده نیروی انتظامی مازندران منصوب شد. رویانپان در ادامه در دهه ۷۰ به عنوان نخستین فرمانده پلیس تازه‌تاسیس ۱۱۰ منصوب شد و تا ۱۳۸۰ رئیس مرکز فوریت‌های پلیسی بوده است و پس از آن، در جایگاه فرماندهی پلیس راه قرار گرفت و تا سال ۱۳۸۴ در این سمت بود و در این سال به عنوان رئیس راهنمایی و رانندگی کشور انتخاب شد و از سال ۸۶ نیز با حکم محمود احمدی‌نژاد به عنوان رئیس ستاد سوخت مشغول به کار شد.

با چنین پیش‌سابقه‌ای، رویانپان از روزهای پایانی تابستان ۹۰ یک تجربه جدید را آغاز کرد؛ تجربه‌ای که ۲۸ ماه طول کشید و بهمن ۹۲ با کناره‌گیری وی از پرسپولیس به اتمام رسید. با این حال باشگاه پرسپولیس در روزهای حضور این مدیر نظامی روزهای پرحاشیه و البته خیرسختی را پشت سر گذاشت. تعویض پنج سرمربی در عرض دو سال و نیم اقداماتی است که رویانپان در رویانپان انجام داد تا پرسپولیس از عدم ثبات ضربه بخورد؛ مسئله‌ای که ناشنایی رویانپان با فضای فوتبال که همیشه از انتخایب‌های اشتباهی شده بود، نقش زیادی در آن داشت. یکی از مهم‌ترین حواشی زمان مدیریت رویانپان رقابت او با علی تقی‌الله‌زاده، مدیر عامل وقت استقلال برای ساختن یک تیم پرستاره بود؛ رقابتی که سبب دست‌کم قیمت بازیکنان برای اولین بار میلیاردی شود و قراردادهای میلیاردی یکی از میراث‌های زمان این مدیر عامل نظامی در پرسپولیس است. این مدیر برای بالا بردن رقم قراردادها به هیچ‌گونه ضابطه‌ای پایبند نبود و حتی با دادن ماشین‌های گرانبه‌قیمت خارجی در کنار قراردادی که بسته می‌شد، سعی داشت تا نام‌های پرسپولیس را به پرسپولیس بیاورد.

با این حال یکی از مهم‌ترین تگ‌های مدیریتی زمان رویانپان، قرارداد با مانوئل ژوزه سرمربی مشهور برتغالی بود؛ سرمربی موفق الاهلی مصر که در پرسپولیس تنها چند ماه دوام آورد و به نیم‌فصل نرسیده اخراج شد. برکناری این سرمربی برتغالی ۸۰م ۵۵هزار یورویی بر جای گذاشت، غرامتی که هزینه عدم‌توافق رویانپان و این سرمربی برتغالی برای فسخ قرارداد توافقی بود.

**حمیدرضا سمیعی؛ بسبازبفروشی که مدیر شد**  
سال ۹۳ که نام حمیدرضا سمیعی در فوتبال سر زبان‌ها افتاد، مدبری که نه تنها در ورزش بلکه خارج از فضای ورزش هم کارنامه مدیریتی‌اش خالی بود از او به عنوان یک فعال ساختن‌های و بسبازبفروشی یاد می‌شد. با این حال سیاسی که سابقه دوستی با امیررضا خادم را داشت، به پیشنهاد وی که آن روزها معاون وقت پارلمانی و حقوقی وزارت ورزش و نماینده تام‌الاختیار محمود گودرزی وزیر وقت ورزش در باشگاه استقلال و پرسپولیس بود، به عنوان رئیس هیئت‌مدیره پرسپولیس وارد فوتبال شد. او آذر ۹۳ هم به عنوان مدیر عامل پرسپولیس انتخاب شد. حضور او در پرسپولیس به شش ماه هم نرسید و او در دی‌ماه ۹۴ از مدیریت قرمزها کناره‌گیری کرد. با این حال حضور کوتاه این مدیر غیرورزشی و غیرفوتبالی هم با حاشیه‌ها و جنجال‌های زیادی همراه بود.

یکی از مهم‌ترین حواشی دوران مدیریت سیاسی، برکناری علی دایی و انتخاب حمید در خشان به عنوان سرمربی پرسپولیس بود. او شهریور ۹۲ در حالی که رئیس هیئت‌مدیره پرسپولیس بود، پس از شکست پرسپولیس مقابل تراکتور مصوبه هیئت‌مدیره برای برکناری علی دایی را گرفت و به علی‌رضا رحیمی، مدیرعامل باشگاه ابلاغ کرد. رحیمی البته حاضر به قبول این موضوع نشد تا در نهایت بعد از علی دایی او نیز از پرسپولیس بیرون برود.

با این حال تمرین پرسپولیس در روز ۱۸ شهریور ۹۳ یکی از جنجالی‌ترین روزهای باشگاه پرسپولیس بود؛ روزی که دایی به‌رغم برکناری به محل تمرین پرسپولیس



آمد و آن سو سیاسی هم با گرفتن دست حمید درخشان او را همراهی کرد تا به صورت هم‌زمان پرسپولیس دو سرمربی داشته باشد. یکی دیگر از حواشی حضور سیاسی در پرسپولیس به مذاکره او در مهر ۹۲ با پرز مدیرعامل باشگاه رائل مادرید برای بازی دوستانه با پرسپولیس برمی‌گشت؛ جلسه‌ای که مسئول هماهنگی آن امیرحسین جهان‌نشاهی یکی از سلطنت‌طلبان و مخالفان جمهوری اسلامی بود. این موضوع مشکلات زیادی برای سیاسی به همراه داشت و او معتقد بود از سوابق جهان‌نشاهی بی‌اطلاع بوده است.

آذر ۹۳ هم سیاسی با حکم بازداشت راهی اوین شد تا حاشیه‌های این مدیر غیرورزشی در فوتبال کامل شود. مشکلات قراردادهای اسپانسرهای پرسپولیس و همچنین تسویه نشدن بدهی‌های کشتی‌گیران و والیبالیست‌ها؛ جمله دلایلی بود که سبب شد مدیرعامل وقت پرسپولیس بازداشت شود؛ بازداشتی که بیش از چهار ماه طول کشید. سیاسی ۲۴ فروردین ۹۴ آزاد شد و چند روز بعد از آن با استعفا از پرسپولیس از ورزش رفت تا دوران کوتاه مدیریتی‌اش اجتنالی مدبری که بسبازبفروشی بود، به پایان برسد.

### حضور چنین مدیرانی به خصوص در فوتبال که نسبت به رشته‌های دیگر محبوبیت و طرفداران بیشتری دارد، دلایل زیادی مانند شهرت طلبی نیز دارد؛ مدیرانی که تا پیش از آمدن به فوتبال نامشان کمتر به گوش کسی خورده است

مروری بر عملکرد مدیران «موفق» ورزشی که با تغییر جایگاه «ناموفق» شدند

## سودای ریاست!

ولی نه تنها در تکرار موفقیت‌های قبل ناکام می‌ماند بلکه با ورود به حواشی مدیریتی و وجهه مقبول قبلی خود را نیز زیر سؤال می‌برند. در این بین راه پیدا کردن به ساختمان وزارت ورزش در خیابان ستول و وارد شدن به زمین فوتبال اصلی تر سن عواملی هستند که چرخش ۱۸۰ درجه‌ای و نمایان شدن آن روی آقایان مدیر را به همراه دارند. در ادامه به چند نمونه از مدیران ناموفق و پرحاشیه‌ای اشاره می‌کنیم که روزگاری جزو موفق‌ترین‌های عرصه مدیریت ورزش محسوب می‌شدند.



این ترندهای مدیریتی تا چه زمانی در وزارت دوام می‌آورد.

### افشارزاده؛ موفق در کمیته، ناکام در استقلال

چهره‌ای شناخته‌شده در مدیریت ورزش که با یک تصمیم احساسی روزهای پرحاشیه و تلخ زیادی را در فوتبال تجربه کرد. بهرام افشارزاده، مردی موفقی که در ورزش سال‌ها پای ثابت تیم ملی ژیمناستیک بود و چند سالی هم ریاست فدراسیون این رشته را بر عهده داشت. هفت سال رئیس فدراسیون بیسبال بود و هفت سال هم سکان مدیریت فدراسیون وزنه‌برداری را در دست داشت. اما اهالی ورزش افشارزاده را هنوز به عنوان دبیر کل کمیته ملی المپیک می‌شناسند. در واقع این مدیر اصفهانی در چهار دوره‌ای که این سمت را در کمیته بر عهده داشت، آنقدر بر کارش مسلط بود که با کمترین باقت با پیشنهاد گودرزی وزیر وقت او از معهود مدیرانی در کشور باشد که ساعت ۶ صبح در دفترش در کمیته ملی المپیک حاضر می‌شد، جلسه تشکیل می‌داد و با روی خوش پذیرای اصحاب رسانه بود. عضویت در شورای المپیک آسیا

و همچنین حضور در کاروان‌های ایران در المپیک و بازی‌های آسیایی مختلف شهرت او را در بین ورزشکاران غیرفوتبالی دوچندان کرد. منتها زندگی او با تجربه باسابقه بار پیشنهاد گودرزی وزیر وقت ورزش تغییر کرد؛ در اردیبهشت سال ۹۳ بهرام افشارزاده مدیرعاملی باشگاه استقلال را پذیرفت تا فصل جدیدی در زندگی‌اش آغاز شود. مدیر آرام شد و با تجربه ورزش با او بود و به ندرت‌های فوتبال با کوهی از حواشی و اتفاقاتی مواجه شد که تا کنون تجربه نکرده بود. افشارزاده که هم‌زمان معاون وزیر ورزش هم بود، دو سال به دوغله بودنش ادامه داد و در این مدت آبی فقط یک بار قهرمان جام حذفی شدند و در لیگ هم جایگاه‌هایی بهتر از سوم و ششم کسب نکردند. مراد ۹۵ بهرام افشارزاده به دلیل دوغله بودن و با تجربه و حواشی‌های فراوانش عنوان کرد: «به عقب برگردم هرگز مدیرعامل استقلال نمی‌شوم» تا شدت پشتیبانی‌اش از تصمیمش را نشان دهد.

**رحیمی؛ از هندبال تا پرسپولیس**  
سودای حضور در دو باشگاه بر طرفدار فوتبال ایران اغلب مدیران ورزش کشور را سوسه می‌کند، حتی اگر سال‌ها سابقه ریاست یک فدراسیون را در اختیار داشته باشند. علی‌رضا رحیمی، یکی دیگر از مدیران اصفهانی ورزش است؛ مدبری که ۱۸ سال (چهار دوره متوالی از سال ۷۲ تا ۸۸ و یک دوره از سال ۹۵ تا ۹۷) رئیس فدراسیون هندبال بود و در دوران او این رشته تویی اوج گرفت و طرفداران زیادی پیدا کرد. هر چند که انتقادهای زیادی نیز نسبت به مدیریت رحیمی در هندبال در آن سال‌های طلایی وجود دارد اما این مدیر هم در برهه‌ای فوتبال را بر هندبال ترجیح داد. مدیرعاملی باشگاه‌های سپاهان، راه‌آهن و پرسپولیس جزو سوابق مدیریت علی‌رضا رحیمی در فوتبال است. جدا از سپاهان و راه‌آهن، مدت زمان حضور این مدیر با تجربه در جمع قرمزپوشان بسیار کوتاه بود. رحیمی طی چهار ماه مدیرعاملی در پرسپولیس به اندازه تمام عمر مدیریتی‌اش طمع حاشیه، چالش، درگیری و جنگ‌های فوتبالی را چشید تا چاره‌ای جز استعفا نداشته باشد. او که پشت دستش را داغ کرد و دیگر به پرسپولیس برنگشت، در سال ۹۵ دوباره اسکندار هندبال ایران شد.

ملی والیبال پس از ۵۲ سال به المپیک راه یافت. صعود به لیگ جهانی و درخشش در این رقابت‌ها و همچنین مسابقات قهرمانی جهان از دیگر افتخارات والیبال در زمان حضور داورزنی به شمار می‌رود. منتها سلطانی‌فر که وزیر ورزش شد، داورزنی پیشنهاد معاونت او را پذیرفت و در سال ۹۶ پس از ۱۱ سال والیبال را ترک کرد. ورود به وزارتخانه آغاز راهی سخت بود؛ معاون قهرمانی وزیر در این دو سال با انتقادهای زیادی روبه‌روبه شده؛ از جمله اعمال نفوذ در فدراسیون‌ها و گرفتن قدرت عمل از رؤسای آنها. ضمن اینکه برخی اخبار حاشیه‌ای در خصوص فرزند داورزنی نیز او را وادار به واکنش و تکذیب کرد. با اینکه اوضاع نابسامان و پلاتکلیفی والیبال پنهان‌های بود برای بازگشت به عقب ولی داورزنی این بار قدر این فرصت را دانست و سال گذشته با کاندیدا شدن در انتخابات پس از دو سال دوری دوباره به عنوان رئیس فدراسیون کارش را در آزادی از سر گرفت. در قحط‌الرجال بودن ورزش ایران همین سبب که اهالی والیبال پس از مدت‌ها پلاتکلیفی و نابسامانی مجبور شدند به معاون وزیر اعتماد کنند.

**علی‌نژاد؛ ووشوکاری که به وزارت رسید**  
مهدی علی‌نژاد همان پزشکی است که همانند داورزنی در رشته محبوبش کارنامه موفقی از خود به جای گذاشت ولی او نیز با سودای رسیدن به وزارت قید ادامه حضور در فدراسیون را زد. رئیس فدراسیون ووشو در ۱۳ سالی که عهده‌دار این سمت بود به موفقیت‌های زیادی دست یافت. ووشو ایران با مدیریت علی‌نژاد توانست پله‌های ترقی را چند تا یکی طی کند و نام و آوازه ووشوکارانمان بیش از پیش در دنیا طنین‌انداز شد. رقابت شانه به شانه با چینی‌ها و کنار زدن رقیبی که خود را مهد ووشو می‌داند، باید ثمره مدیریت رئیس باسابقه عنوان کرد. در این ۱۳ سال علی‌نژاد با تکنیک‌های خاص خود اجازه بروز حاشیه و مشکل را در ووشو نداد ضمن اینکه او اعتقاد زیادی به ورزش بانوان داشت و تیم‌های بانوان پایه‌های تیم مردان به رقابت‌های مهم بین‌المللی اعزام می‌شد. با رفتن داورزنی، سلطانی‌فر یک بار دیگر از یک رئیس فدراسیون موفق خواست تا دست راستش شود؛ علی‌نژاد هم این فرصت را از دست نداد تا از آذرماه سال گذشته رسماً معاون قهرمانی وزیر لقب بگیرد.

منتها تغییر صندلی مدیریتی از ووشو به وزارت ورزش حتی در لحن صحبت علی‌نژاد هم تأثیر گذاشت. دکتر در این مدت بارها با لحنی تند خیرنگاران، ورزشکاران و مدال‌آوران را خطاب قرار داده و در مقابل انتقادهای نیز معمولاً موضع‌گیری می‌کند. باید دید علی‌نژاد با

### کفاشیان، از دوومیدانی تا فوتبال

سال‌ها در خارج از مستطیل سبزه در سمت‌های مختلف فعالیت کرد اما حواشی‌اش به محض ورود به فوتبال آغاز شد. علی کفاشیان روزگاری رکورددار دوی‌بامانع ایران محسوب می‌شد و افتاح ۱۷ سال هم ریاست فدراسیون دوومیدانی را بر عهده داشت و چهار سال نیز دبیرکل کمیته ملی المپیک بود ولی سودای ریاست فدراسیون فوتبال زندگی او را تغییر داد. کفاشیان در ۸۶ سال و بعد از تعلیق فوتبال کشورمان در انتخابات این فدراسیون کاندیدا و به گفته خودش به صورت اشتباهی و تحمیلی به عنوان نفر اول مدیریت فوتبال برگزیده شد! کفاشیان مدیریت خنده را سرلوحه کارش قرار داد و با همین فرمان ۹ سال رئیس فدراسیون بود. مهم‌ترین دستاورد در دوران ریاست او، استخدام کارلوس کی‌روش بود که با توجه به همان نوع مدیریت، نکات مثبت این دستاورد جای خود را به طلبکاری و ناراضی‌های همیشگی کی‌روش داد. کوتاه آمدن در مقابل پنهان‌تراشی‌های عربستان و ناامن خواندن کشورمان نیز در دوره دوم ریاست کفاشیان اتفاق افتاد؛ پذیرفتن بازی در زمین بی‌طرف نهایت تلاش رئیس خوش‌خنده برای فوتبال ما بود. بعد از پایان دوره دوم ریاست، کفاشیان و مهدی تاج اتفاق‌هایشان را با هم طاق زدند؛ تاج از نایب‌رئیس به ریاست فدراسیون رسید و کفاشیان رئیس به‌پست نایب‌رئیس تزلزل کرد. محرومیت پنج ساله به خاطر پرونده فساد مالی از سوی کمیته اخلاق اوج هنرنمایی این مدیر ورزشی بود. البته این حکم بعد از اعتراض به کمیته استیناف رفت و محرومیتش به یک سال کاهش یافت تا خرداد ماه امسال به عنوان سرپرست فدراسیون فوتبال دوباره به خیابان ستول بازگردد.

**داورزنی؛ عقبگرد به والیبال**  
روزهای خوشی را در فدراسیون والیبال سپری کرد ولی معاونت وزارت ورزش سمتی نبود که حتی محمدرضا داورزنی به آن نه بگوید. داورزنی از جمله مدیرانی است که روزهای پرحاشیه و سختی را در وزارتخانه پشت سر گذاشت و در نهایت هم ترجیح داد به صندلی ریاست فدراسیون بازگردد. معاون پیشین وزیر چهار سال هم رئیس فدراسیون چوگان بود اما شهرت اصلی‌اش را مدیون والیبال است. او در سال ۸۵ جانشین بزدانی‌خرم در فدراسیون والیبال شد و پس از ورود او به این رشته والیبال افتخارات جدیدی به ارمغان آورد. او ۱۰ سال رئیس بود و یک سال هم به عنوان سرپرست همه‌کاره والیبال کشور محسوب می‌شد. در دوران مدیریتی داورزنی تیم

